

راهکارهای نقش آفرینی زن مسلمان در مقابل چالش های خانوادگی و اجتماعی جنگ

ساجده آقابائی^۱

محمد شفیعی^۲

چکیده

منازعات نظامی با نابودسازی نیروهای انسانی، از هم پاشیدگی خانواده، تخریب اقتصادی و زوال فرهنگی آسیب های مهمی را متوجه خانواده و جامعه وارد می آورند. هدف این مقاله بیان راهکارهای تقویت نقش آفرینی زنان در خانواده جنگ بوده؛ مطلبی که تا کنون مورد تحقیق قرار نگرفته است. سؤال اصلی تحقیق پیش رو که به روش توصیفی-تحلیلی و عمدتاً با رویکرد روانشناختی و جامعه شناختی نگاشته شده، این بوده که چگونه می توان از ظرفیت زنان جهت غلبه بر چالش های خانوادگی و اجتماعی جنگ بهره گرفت؟ بدین منظور در دو قسمت به توصیف چالش های خانوادگی-اجتماعی جنگ و بیان راهکارهای فردی و سازمان یافته برای نقش آفرینی بیشتر بانوان پرداخته شده است. راهکارهایی مانند تقویت روحیه از خود گذشتگی در خانواده، شکیبایی در برابر آسیبها، سازماندهی اصولی فشارهای روانی و ترویج اقتصاد خانگی؛ مواردی که به ویژه با حمایت بیشتر نهادهای حمایتی از طریق آموزش و سازمان دهی عملیاتی تلقی می شوند.

واژگان کلیدی

نقش اجتماعی زن، زن در جامعه، آسیب جنگ، مدیریت اجتماعی جنگ، ظرفیت اجتماعی زن

^۱ طلبه سطح ۲ حوزه علمیه خواران

^۲ استاد حوزه علمیه قم

۱. مقدمه

جنگ پدیده‌ای هولناک و ویرانگر است که تبعات ناگوار آن به میدان نبرد منحصر نبوده، بلکه در همه ابعاد زندگی انسان‌ها نمود می‌یابد و چالش‌های متعددی را در سطوح سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، پزشکی و ... به وجود می‌آورد. در جوامع مسلمان، از سویی عمده مسئولیت‌ها و تصمیم‌گیری‌های کلان اجتماعی توسط مردان شکل می‌گیرد و از سویی دیگر زیست جداگانه زن و مرد در روند رشد و تربیت باعث می‌شود بسیاری از مردان تصویر درستی از نیازها و ظرفیت‌های نیم دیگر جامعه نداشته باشند.

این در حالی است که علاوه بر مسئولیت‌های مشترک مرد و زن در جامعه درگیر بحران، زن در جوامع مسلمان جایگاه به خصوصی دارد که می‌تواند به عنوان ظرفیتی در مدیریت چالش‌های جنگ به کارگرفته شود. برای تقویت این کارکرد محوری و مدیریت مشکلات خانوادگی و اجتماعی جنگ، می‌توان ضمن توجه به شئون و جایگاه زن در فرهنگ اسلامی، به ویژه با تکیه بر ظرفیت دین در مدیریت احساسات و عواطف، راهکارهایی ارائه کرد.

مقاله پیش رو به امکان سنجی نقش‌آفرینی زن مسلمان در مواجهه با چالش‌های خانوادگی-اجتماعی جنگ می‌پردازد و به دنبال ارائه راهکارهایی عملی برای بهره‌وری از ظرفیت زنان در این شرایط دشوار است. سوال اصلی مقاله این است که ظرفیت زن مسلمان چگونه می‌تواند در چالش‌های خانوادگی-اجتماعی جنگ مورد استفاده قرار گیرد؟ این مطلب در قالب پاسخ به دو سوال فرعی آینده بررسی خواهد شد: الف) خانواده و جامعه درگیر جنگ با کدام چالش‌ها مواجه هستند؟ ب) برای عبور از این چالش‌ها چه راهکارهایی وجود دارد؟

این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر داده‌های کتابخانه‌ای، در دو قسمت چالش‌ها و راهکارها به بررسی موضوع می‌پردازد. مباحث مربوط به چالش‌ها ذیل دو عنوان خانوادگی و اجتماعی و مباحث مربوط به راهکارها ذیل دو عنوان فردی و جمعی (سازمان یافته) پردازش خواهند شد. رویکرد این تحقیق عمدتاً روانشناختی و جامعه‌شناختی بوده، توصیف‌ها و راهکارهای تعبدی-متافیزیکی مورد استنباط و بررسی قرار نخواهند گرفت.

با وجود جستجو در تحقیقات پیشین موردی یافت نشد که هم از لحاظ موضوع و هم از لحاظ رویکرد منطبق بر مقاله پیش رو به شمار رود؛ از جمله آثار پیشین که تا حدودی به موضوع مرتبط با این مقاله پرداخته اند می توان به این موارد اشاره کرد:

الف) مقاله «نقش زنان در حفظ آرامش خانواده در بحران جنگ» (زرگران و فراتی، ۱۴۰۱)؛ همان طور که از عنوان مقاله پیداست، محتوای این مقاله متمرکز بر حفظ آرامش در خانواده است.

ب) مقاله «تجربه زیسته زنان در خانواده های آسیب دیده از جنگ؛ تاملی بر ایفای نقش همسری در خانواده فرد جانباز» (شفیعی و موسوی و پایه، ۱۴۰۱)؛ این مقاله بیشتر رویکرد توصیفی دارد، نه راهکار محور؛ علاوه بر اینکه تمرکز محتوایی مقاله مذکور بر خانواده پس از جنگ است.

ج) پایان نامه ارشد «بررسی نقش زن در حوزه‌ی دفاع مقدس و انعکاس آن در آثار نویسندگان زن» (انصاری، ۱۳۹۵)؛ این پایان نامه در رشته ادبیات فارسی نگارش و دفاع شده و رویکرد آن توصیفی-ادبی است.

۲. چالش های جنگ

هدف از ارائه این قسمت از مقاله بیان چالش های مرتبط با مسائل اجتماعی و خانوادگی جنگ است تا در گام بعدی و ضمن توجه به آسیب های احتمالی، راهکارهای نقش آفرینی بانوان برای پیشگیری یا عبور از این چالش ها مورد بحث قرار گیرد. در ادامه، چالش های جنگ ذیل دو زیر عنوان چالش های خانوادگی و چالش های اجتماعی دنبال خواهد شد:

۲.۱. چالش های خانوادگی

جنگ به عنوان یک پدیده مخرب، می تواند تبعات و مشکلات اجتماعی متعددی را برای خانواده ها به بار آورد؛ مشکلاتی مانند:

- از هم پاشیدگی خانواده؛ جنگ می تواند باعث آوارگی، مهاجرت، فراخوان برای نبرد و مرگ و میر اعضای خانواده شود؛ به ویژه در صورتی که مرد نان آور خانواده باشد (همان طور که در جوامع مسلمان رایج است). این امر می تواند به از هم پاشیدگی خانواده و مشکلات اقتصادی برای زنان و کودکان منجر شود. همچنین در بستر جنگ با تشدید اضطراب، بی ثباتی و جدایش اعضای خانواده، احتمال طلاق و جدایی افزایش می یابد.
- مشکلات اقتصادی؛ با بروز مناقشات نظامی، سیستم مدیریت اقتصادی با تغییر غیر قابل پیش بینی متغیرهایی از قبیل عرضه، تقاضا و سرمایه گذاری دچار تحول جدی می شود؛ مساله ای که می تواند باعث از دست دادن شغل، افزایش قیمت کالاها و خدمات اساسی و فقدان دسترسی به خدمات اجتماعی مانند آموزش، بهداشت و درمان منجر شود. این امر می تواند تامین نیازهای اولیه خانواده را دشوارتر کند.
- سوء مصرف مواد؛ برخی از افراد برای مقابله با استرس و اضطراب ناشی از جنگ به سوء مصرف مواد روی می آورند؛ امری که می تواند مشکلات متعددی را برای فرد و خانواده او ایجاد کند.
- خشونت خانگی؛ استرس و اضطراب ناشی از جنگ می تواند منجر به افزایش خشونت خانگی، به ویژه علیه زنان و کودکان شود.
- مشکلات عاطفی و رفتاری در کودکان؛ کودکان به خاطر لطافت و حساسیت عاطفی خود، در شرایط بحران، بیش از بزرگسالان در معرض آسیب هستند. در وضعیت جنگ کودکان بسیاری از مشکلات عاطفی و رفتاری مانند پرخاشگری، و مشکلات خواب رنج می برند.
- مشکلات تربیتی؛ جنگ می تواند تربیت فرزندان را دشوارتر کند. کودکان در معرض جنگ ممکن است از مشکلات عاطفی و رفتاری رنج ببرند.
- مشکلات روانی اعضای خانواده؛ جنگ به دلیل تجربیات هولناک و آسیب‌زای مستقیم و غیرمستقیم، مانند خشونت، مرگ، آوارگی، و فقدان، می تواند باعث اختلالات روان‌شناختی

متعددی در افراد شود. تجربیات طاقت‌فرسای جنگ تعادل روانی افراد را به هم زده و منجر به بروز اختلالاتی مانند اضطراب، افسردگی و اختلال استرس پس از سانحه^۳ می‌شود.

۲.۲. چالش‌های اجتماعی

مناقشات نظامی به مجموعه‌ای از چالش‌های اجتماعی پیچیده و چندوجهی منجر می‌شوند که معمولاً به صورت چرخه‌ای افزایشی بروز می‌یابند؛ از جمله مهم‌ترین این چالش‌ها عبارتند از:

- آوارگی و مهاجرت؛ جنگ باعث آوارگی و مهاجرت گسترده مردم از خانه‌های خود می‌شود. این امر می‌تواند به فروپاشی جوامع، از هم پاشیدگی خانواده‌ها، و مشکلات عدیده برای افراد آواره از جمله دسترسی به غذا، سرپناه، و خدمات بهداشتی منجر شود (ر.ک. زرقانی و احمدی، ۱۳۹۷، ۱۱۵-۱۱۸).
- ناامنی و بی‌ثباتی؛ جنگ ناامنی و بی‌ثباتی گسترده را در جامعه ایجاد می‌کند. این امر می‌تواند به افزایش جرم و جنایت، خشونت، و نقض حقوق بشر منجر شود.
- مشکلات اقتصادی؛ جنگ به زیرساخت‌های اقتصادی آسیب می‌رساند و باعث بیکاری، فقر، و تورم می‌شود. این امر می‌تواند به تشدید نابرابری‌های اجتماعی و مشکلات عدیده برای مردم در تامین نیازهای اساسی خود منجر شود.
- تضعیف نظام آموزشی و بهداشتی؛ جنگ به نظام آموزشی و بهداشتی آسیب می‌رساند و دسترسی مردم به آموزش و خدمات بهداشتی را با مشکل مواجه می‌کند. این امر می‌تواند به افزایش بی‌سوادی، مرگ و میر کودکان، و شیوع بیماری‌ها منجر شود.

^۳ • اختلال استرس پس از حادثه؛ اختلال استرس پس از سانحه (PTSD) یک اختلال سلامت روان است که می‌تواند در افرادی ایجاد شود که یک رویداد آسیب‌زا را تجربه کرده‌اند یا شاهد آن بوده‌اند. مناقشات نظامی بستر مجموعه‌ای از حوادث ناگوار هستند که می‌توانند منجر به ایجاد اختلال استرس پس از سانحه شود؛ رویدادهایی از قبیل فقدان و سوگ، خشونت، مجروحیت، احساس ناامیدی و بی‌عدالتی، کمبود خواب، فروپاشی خانواده و نظام‌های اجتماعی. PTSD یک بیماری جدی است که می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر زندگی یک فرد داشته باشد. افراد مبتلا به این اختلال ممکن است علائمی از این دست را تجربه کنند: خاطرات ناخواسته یا کابوس‌های اختلال‌زا، احساس اینکه وقوع دوباره رویداد آسیب‌زا، اجتناب از افرادی، مکان‌ها یا چیزهایی که آنها را به یاد رویداد آسیب‌زا می‌اندازد، علائم اضطراب مانند مشکل در خواب، تحریک‌پذیری و مشکل در تمرکز، علائم افسردگی مانند احساس غم، از دست دادن علاقه به فعالیت‌ها و تغییرات در اشتها یا الگوهای خواب (ر.ک. عبیدی و مرادی، ۱۳۸۷، ۲۵-۳۴).

- به حاشیه رفتن اخلاق؛ ماهیت جنگ با مقولاتی از قبیل افزایش خشونت، بی احترامی به ارزش های انسانی، به چالش کشیده شدن نظام های اجتماعی و حاکمیتی، دروغ و فریب، نفرت و کینه، ناامیدی، فساد و فشارهای اقتصادی و روانی عجین است؛ مسائلی که رعایت اخلاق در جامعه را مستقیماً تحت تاثیر قرار می دهند. همچنین جنگ افراد جامعه را در معرض تبعیض و خشونت بیشتری قرار می دهد و این امر می تواند به افزایش ازدواج اجباری، قاچاق انسان، و سوء استفاده جنسی از زنان و کودکان منجر شود.
- آسیب به هویت و فرهنگ؛ جنگ می تواند به هویت و فرهنگ جامعه آسیب برساند. تخریب اماکن فرهنگی و مذهبی، از بین بردن زبان و آداب و رسوم می تواند به هویت و فرهنگ جامعه لطمات جبران ناپذیری وارد آورد.

لازم به ذکر است که پس از جنگ، بازسازی جامعه ویران شده چالش بزرگی است که حتی بر فرض وجود منابع مالی و انسانی قابل توجه، عمدتاً سال ها و ده ها به طول می انجامد؛ در نتیجه بسیاری از تبعات پیش گفته جنگ برای سالیان ادامه خواهند یافت.

۳. راهکارهای نقش آفرینی بانوان در خانواده و جامعه درگیر جنگ

در این قسمت از مقاله، راهکارهای استفاده از ظرفیت زن در کاستن از آلام جنگ در دو بُعد فردی و جمعی سازمان یافته پیشنهاد می شوند. منظور از قید «فردی» اشاره به راهکارهایی است که توسط فرد اعمال می شوند؛ همچنان که راهکارهای جمعی سازمان یافته به نوعی بیانگر تدابیری هستند که عملاً منجر رواج به کارگیری راهکارهای فردی و استفاده زن از ظرفیت خود در خانواده خواهند شد. لازم به توجه است که بسترسازی، آموزش و ترویج بسیاری از تدابیر آینده، در دوران صلح و پیش از ایجاد بحران عملی تر به نظر می رسد.

۳.۱. راهکارهای فردی

الف. سازماندهی اصولی فشارهای روانی خانواده

در قسمت اول مقاله مهمترین چالش های روانی در خانواده های درگیر جنگ مورد اشاره قرار گرفت؛ شناخت مشکلات مربوطه به معنای شناخت زمینه ها، علایم بروز مشکل و راهکارهای مربوطه، قدم اول در حل هر مشکل روانی به شمار می رود (ر.ک. سلطانی رنانی، ۱۳۸۳، ۶۹-۷۲). با کسب آگاهی و مهارت در این رابطه، زن می تواند پیش آمدها و اثرات نوحوشایند احتمالی برای خویش یا اعضای خانواده را شناسایی کرده، به پیشگیری و درمان این چالش ها کمک کند.

این مساله به ویژه نسبت به نقش مادری زن اهمیت فراوانی دارد؛ همان طور که آشنایی مادر با کمک های اولیه می تواند در شرایط بحران نجات بخش جسم کودک باشد، آشنایی با مهمترین چالش ها و راهکارهای روانی احتمالی می تواند به بهبود مشکلات روانی فرزندان کمک شایسته موثر واقع شود. اهمیت این مطلب زمانی روشن می شود که بدانیم آثار روانی ناشی از جنگ و پیامدهای تربیتی-فرهنگی آن مختص زمان مناقشه نظامی نبوده، ممکن است تا پایان عمر موجب رنجش فرد آسیب دیده شود.

ب. شکیبایی در برابر آسیب ها

آموزه صبر یکی از مهمترین درس های قرآنی است که گفته می شود کمتر آموزه ای یافت می شود که به این مقدار مورد تاکید قرار گرفته باشد (ریسیان و حکم آبادی، ۱۳۹۷، ۲۳۷). تاب آوری و صبر عکس العملی است در برابر سختی و به تعبیری موضوع صبر شاداند است (عبدی و پسندیده، ۱۳۹۷، ۹۶). در فرهنگ اسلامی هویت زن به لطافت روحی او شناخته می شود (به عنوان نمونه ر.ک. کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۱، ۱۷۰) و طبعا در شرایط فشار و بحران، افراد لطیف تر بیشتر آزرده خاطر شده، توجه به آموزه صبر بیشتر معنا پیدا می کند.

از سویی، در میان اعضای خانواده، حالت روانی هیچ یک از اعضا به اندازه مادر بر کل مجموعه خانواده تاثیرگذار و کلیدی نیست؛ از این رو بر خلاف سایر اعضای خانواده، تاب آوری یا جزع و فزع یک مادر تنها به حالت روانی خود وی محدود نشده، به طور حتم بر سایر اعضا منعکس خواهد شد.

علاوه بر اینکه بسیاری از مردهای خانواده به واسطه اینکه طرف مستقیم مناقشه نظامی محسوب می شوند، اساساً حضور کمتری در خانواده خواهند داشت تا در تحکیم روابط به نقش آفرینی بپردازند. صبر و شکیبایی زن در برابر سختی‌ها و مشکلات می‌تواند به عنوان یک الگوی رفتاری مناسب برای فرزندان در نظر گرفته شود. فرزندان با مشاهده صبر مادر خود در شرایط سخت، یاد می‌گیرند که چگونه با چالش‌ها و مشکلات زندگی خود به طور سازنده‌ای روبرو شوند و یکی از مهمترین روش‌های آموزش صبر به فرزندان، نمایش صبر توسط خود مادر است.

صبر و شکیبایی یک ویژگی اکتسابی است و می‌توان آن را با تمرین و ممارست تقویت کرد؛ برخی راهکارها برای تقویت صبر در خویش و انتقال آن به خانواده درگیر جنگ عبارتند از:

- تقویت ایمان مذهبی: ایمان مذهبی می‌تواند منبع قدرتمندی از صبر و شکیبایی در شرایط سخت باشد. ایمان به خداوند، به انسان یقین می‌دهد که خداوند در تمام مراحل زندگی با اوست و او را در سختی‌ها و مشکلات تنها نخواهد گذاشت. این یقین، به انسان صبر و شکیبایی لازم برای عبور از چالش‌ها را می‌دهد. ایمان به وعده‌های الهی، به انسان امید به آینده‌ای بهتر می‌دهد. این امید، به انسان انگیزه می‌دهد تا با صبر و شکیبایی در برابر مشکلات و سختی‌ها، به تلاش خود ادامه دهد.
- همچنین ایمان به خداوند، به انسان کمک می‌کند تا در برابر مشیت الهی تسلیم باشد و سختی‌ها و مشکلات را به عنوان امتحانی از جانب خداوند بپذیرد. این تسلیم، به انسان صبر و شکیبایی لازم برای تحمل سختی‌ها را می‌دهد. علاوه بر این‌ها، ایمان به خداوند، به انسان کمک می‌کند تا معنا و هدف زندگی خود را درک کند. این درک، به انسان صبر و شکیبایی لازم برای تحمل سختی‌ها و مشکلات را می‌دهد، زیرا می‌داند که زندگی او دارای هدف و معنایی است (سقای بی‌ریا و کریمی، ۱۴۰۰، ۲۳-۳۲؛ خواجه‌نوی مقدم، ۱۳۹۳، ۱۲۷-۱۳۰).
- تمرکز بر جنبه‌های مثبت زندگی: مانند سپاسگزاری از نعمت‌های موجود و انجام فعالیت‌های لذت‌بخش.
- تمرین تکنیک‌های آرامش‌بخش مانند تنفس عمیق و انجام فعالیت‌های لذت‌بخش.

- صحبت با مشاور یا روانشناس؛
- ارتباط با سایر زنان درگیر جنگ برای به اشتراک گذاشتن تجربیات و دریافت حمایت عاطفی.

ج. تقویت ارتباط اعضای خانواده

تقویت ارتباط با اعضای خانواده یکی از وظایف های کلیدی زن به شمار می رود و در شرایط فشار و بحران اهمیت مضاعف می یابد. افزایش احساس خوشبختی و رضایت از زندگی، افزایش اعتماد به نفس، ایجاد حس تعلق خاطر و احساس امنیت و تربیت فرزندان سالم از جمله آثار تقویت روابط خانوادگی به شمار می روند. زن به عنوان محور خانواده می تواند از طریق راهکارهای از قبیل ذیل به تحقق این نقش بپردازد (ر.ک. طیموری فرد و زرغام حاجوی، ۱۴۰۱، ۷۵-۷۶؛ خواجوی مقدم، ۱۳۹۳، ۱۲۶-۱۳۹):

- گذراندن وقت با کیفیت با اعضای خانواده؛
- برقراری ارتباط صمیمی و شفاف؛
- ابراز محبت و قدردانی؛
- تقویت امید با مثبت نگری و تاکید بر تصویر پایان بحران؛
- توجه به نیازهای عاطفی و روانی اعضای خانواده.

د. تقویت روحیه از خود گذشتگی در خانواده

یاری رساندن به آسیب دیدگان، تامین نیازهای اساسی، به اشتراک گذاشتن منابع محدود و خطر کردن برای دفاع در برابر دشمن فقط بخشی از مزایایی هستند که تقویت روحیه از خودگذشتگی برای یک جامعه به ارمغان می آورد. در شرایط بحرانی جنگ، فرهنگ ایثار همچنین در حفظ انسجام و اتحاد جامعه تاثیرگذار است و با افزایش حس تعاون و همبستگی، امید و تلاش یک جامعه برای بازسازی افزایش می یابد. برخی از راهکارهای تقویت روحیه از خودگذشتگی در خانواده عبارتند از:

- تحقق عملی ایثار در رفتار خود زن؛

- معرفی و الگوسازی از افراد سمبل ایثار؛ توجه دادن و تاکید زند بر نمادهای ایثار و از خودگذشتگی، روحیه امید و انگیزه را در خانواده تقویت می‌کند و به افراد در عبور از سختی‌ها و دشواری‌های جنگ کمک می‌کند.
- تشویق فرزندان به کمک و مشارکت؛ با تشویق فرزندان به همکاری در کارهای خانه و انجام کارهای داوطلبانه، آنها یاد می‌گیرند که به فکر دیگران باشند و از خودگذشتگی کنند.
- قدردانی از فرزندان برای از خودگذشتگی‌ها؛ قدردانی و تشکر بابت از خودگذشتگی کودکان به آنها انگیزه می‌دهد تا عمل خود را تکرار کنند.
- ایجاد فضای تعاون و کمک به یکدیگر در خانواده؛ این عمل به فرزندان کمک می‌کند تا یاد بگیرند که به یکدیگر وابسته هستند و باید به یکدیگر کمک کنند.

ه. پرهیز از اسراف

اساسا در شرایط هر نوع بحران مانند جنگ، سیل، زلزله یا قحطی، عدم اسراف از اهمیت حیاتی برخوردار است؛ زیرا در شرایط بحران، منابع موجود محدود و کمیاب هستند و اسراف در این شرایط به معنای از دست رفتن منابعی مانند آب، برق، غذا و سوخت است که می‌توانست برای نجات جان انسان‌ها و یا کمک به افراد آسیب‌دیده مورد استفاده قرار گیرد (ملایری، ۱۳۸۳). در شرایط جنگ و اختلال در سیستم‌های نظارتی و توزیع، جلوگیری از اسراف تا حد زیادی به آحاد جامعه بستگی دارد. دانش و اهتمام زنان به روش‌های صرفه‌جویی در مدیریت منابع خانواده، به عنوان اجزای تشکیل‌دهنده یک جامعه، در تحقق صرفه‌جویی ثمربخش است.

و. تلاش برای آموزش تحصیلی فرزندان

در مواردی جنگ باعث تضعیف نظام آموزش و پرورش می‌شود. دانش‌آموزان با وقفه در آموزش (اصطلاحاً گپ تحصیلی) علاوه بر عقب ماندن از دوره تحصیلی به نسبت سن خود، دچار دل‌سردی و چالش در تحصیل خواهند شد. در این شرایط، اقلاً با مرور آموخته‌های سابق کودک می‌توان باعث شد که وی تا حدودی در فضای آموزش و تحصیل باقی بماند و بازگشت روحی-فکری مجدد کودک به تحصیل سازماندهی شده عمومی تسهیل شود.

ز. ترویج فرهنگ صلح و همبستگی

جنگ پدیده‌ای مخرب است که به جان و مال انسان‌ها آسیب می‌رساند و جامعه را به ویرانی می‌کشاند. در چنین شرایطی، ترویج فرهنگ صلح و همبستگی از اهمیت بالایی برخوردار است. برخی از دلایل اهمیت ترویج فرهنگ صلح و همبستگی در جامعه درگیر با جنگ از این قرار هستند (ر.ک. کولایی، ۱۳۸۵، ۲۳۸-۲۳۹):

- کاهش خشونت؛ فرهنگ صلح و همبستگی می‌تواند به کاهش خشونت و درگیری درونی یک جامعه کمک کند.
- افزایش اعتماد؛ با ترویج فرهنگ همدلی و همبستگی، اعتماد بین افراد جامعه افزایش می‌یابد.
- همکاری؛ در سایه توافق و همبستگی، افراد جامعه برای حل مشکلات خود با یکدیگر همکاری می‌کنند.
- زمینه سازی بازسازی؛ همدلی و همبستگی، زمینه را برای بازسازی جامعه پس از جنگ فراهم می‌کند.
- امیدآفرینی؛ با ترویج فرهنگ صلح و همبستگی، آحاد جامعه به آینده‌ای روشن‌تر امیدوار خواهند شد و در پیشبرد منافع عمومی بیشتر همکاری می‌کنند.

لازم به توجه است که ترویج فرهنگ صلح و همبستگی یک فرآیند طولانی و دشوار است، اما با تلاش و همدلی زنان در خانواده می‌توان به آن دست یافت. زن به عنوان رکن اصلی خانواده، در ترویج فرهنگ صلح و همبستگی در جامعه درگیر با جنگ حائز جایگاه مهمی است. راهکارهای زیر می‌توانند در انجام این رسالت خطیر به زن کمک کند:

- آموزش مفاهیمی مانند صلح، همبستگی، مدارا و احترام به تفاوت‌ها به فرزندان از سنین پایین با استفاده از داستان‌ها، بازی‌ها و فعالیت‌های آموزشی برای ترویج فرهنگ صلح در بین کودکان و تشویق فرزندان به حل اختلافات خود به طور مسالمت‌آمیز.

- گفتگو و همدلی؛ گفتگو با اعضای خانواده در مورد ضرورت صلح و همبستگی و به اشتراک گذاشتن تجربیات و احساسات مربوط به جنگ باعث تقویت احساس همدلی می شود.
- الگوی رفتاری مناسب؛ از طریق خودداری از خشونت و پرخاشگری در گفتار و رفتار، ترویج صبر و بردباری در خانواده، حل اختلافات خانوادگی به طور مسالمت آمیز و کمک به قربانیان جنگ؛

۳،۲. راهکارهای جمعی سازمان یافته

الف. مشارکت زنان در اقتصاد و ترویج اقتصاد خانگی

در شرایط بحران جنگ، مشارکت زنان در اقتصاد برای یک جامعه از اهمیت بالایی برخوردار است. برخی از دلایل اهمیت مشارکت زنان جامعه جنگ زده در اقتصاد از این قرار هستند (ر.ک. یکتاپورفرد، ۱۴۰۰، ۳-۴):

- جبران کمبود نیروی کار؛ در شرایط بحران جنگ، بسیاری از مردان نان آور خانواده در اثر لزوم حضور در جنگ، جراحت و یا فوت ناشی از جنگ امکان فعالیت اقتصادی ندارند. در این شرایط، مشارکت زنان در اقتصاد می تواند به جبران کمبود نیروی کار و تقویت اقتصاد جامعه کمک کند. این نکته همچنین در دوران بازسازی صادق خواهد بود.
- خودکفایی جامعه؛ با مشارکت زنان در اقتصاد، جامعه می تواند به خود اتکایی بیشتری پیدا کند و وابستگی خود به کمک های خارجی را کاهش دهد. خوداتکایی جامعه درگیر با جنگ علاوه بر تقویت به امنیت غذایی و اقتصادی، قدرت چانه زنی آن جامعه را افزایش می دهد.
- توانمندسازی اقتصادی و روانی زنان؛ مشارکت زنان در اقتصاد می تواند به توانمندسازی آنها و افزایش اعتماد به نفسشان کمک کند، همچنان که درآمد حاصل از کار زنان می تواند رفاه خانواده و بهبود کیفیت زندگی آنها را بهبود ببخشد.

بنابراین توضیحات، مشارکت زنان در اقتصاد و ترویج اقتصاد خانگی نه تنها به نفع زنان، بلکه به نفع کل جامعه است. لازم به ذکر است که با توجه به محدودیت های حین یک مناقشه نظامی، فرهنگ سازی و

سازماندهی مالی-اداری کلان در راستای استفاده از ظرفیت اقتصادی زنان بیشتر در دوران صلح متصور است؛ در نتیجه تدابیر مربوطه بیشتر پیشگیرانه محسوب می شوند تا درمان گر. در ادامه تعدادی از اقداماتی که می توان برای ترویج مشارکت زنان در اقتصاد در شرایط بحران جنگ انجام داد، پیشنهاد می شوند:

- تقویت مشاغل خانگی؛ در جامعه درگیر با مناقشات نظامی، از طرفی مردان زیادی به خاطر حضور در جبهه و یا مرگ شرایط حضور در خانه را ندارند و از طرف دیگر به خاطر قرار گرفتن فرزندان در شرایط بحران نیاز به حضور و توجه مادر دوچندان می شود؛ در نتیجه این عوامل، تدابیر اجتماعی توسعه مشاغل خانگی راهکار متوسطه ای ارزیابی می شود تا زن بتواند علاوه بر ایفای نقش محوری در خانواده به اقتصاد جامعه کمک کند (تابلی و عسکری باقرآبادی، ۱۴۰۲، ۱۶-۱۸).
- برگزاری دوره های آموزش شغلی متناسب شؤن زنان در زمینه های مختلف، به ویژه در زمینه های دارای اولویت؛
- حمایت مالی زنان برای راه اندازی کسب و کار خانگی؛
- ایجاد مراکز نگهداری از کودکان برای مادران شاغل در مشاغل غیر خانگی؛
- ترویج فرهنگ کار در بین زنان متناسب با شؤن اسلامی.

ب. حمایت سازمان یافته از زنان

به طور کلی در شرایط بحران ممکن است برخی ظرفیت ها و نیازهای ناپیدا و غیر مستقیم توسط تصمیم گیران مغفول واقع شوند؛ در خصوص زنان، با توجه به اینکه در جوامع اسلامی عمدتاً مردان در جرگه تصمیم گیران مسائل کلان جامعه قرار می گیرند، ممکن است از نیازها و قابلیت های زنان غفلت شود. این در حالی است که با توجه به مجموع آنچه در این مقاله گذشت، زنان حتی بدون در دست گرفتن سلاح، نقش کلیدی در تحقق اهداف جنگ و نیز ضرورت های اجتماعی پس از آن ایفا می کنند. از جمله حمایت های سازمان یافته از زنان در جامعه درگیر با مناقشات نظامی می توان این موارد را نام برد:

- ارائه خدمات مشاوره و روانشناسی؛ این خدمات می‌تواند به زنان در مقابله با آسیب‌های روحی و روانی جنگ مانند اضطراب، افسردگی، و PTSD کمک کند. با در نظر گرفتن این واقعیت که در شرایط جنگی سازمان دهی با مشکلات جدی روبرو خواهد بود، استفاده از ظرفیت مردم برای اجرای برنامه‌ها امری اساسی تلقی می‌شود. همچنین استفاده از ظرفیت فضای مجازی و سیار برای ارائه خدماتی مثل مشاوره و روان درمانی موثر به نظر می‌رسد.
- ترویج گروه‌های حمایتی مردمی؛ گروه‌های حمایتی مجازی یا حضوری، فضایی را برای زنان فراهم می‌کنند تا با یکدیگر صحبت کنند، تجربیات خود را به اشتراک بگذارند، و از یکدیگر حمایت عاطفی دریافت کنند.
- ارائه خدمات مراقبت از کودکان؛ به عنوان مثال می‌توان با سازماندهی گروه‌های مردمی برای سرپرستی موقت کودکان بدون سرپرست در سایر خانواده اقدام کرد.

ج. آموزش سازمان یافته زنان

بارورسازی ظرفیت زنان در توسعه منوط به ارائه آموزش هدفمند و سازماندهی شده آن‌ها است (ر.ک. کاظمی، ۱۳۸۳، ۷۸). سازمان‌های دولتی یا مردم نهاد می‌توانند با آموزش زنان از طریق رسانه‌های سنتی و نوین تاثیر شایسته‌ای بر استفاده از ظرفیت زنان در جامعه درگیر بحران داشته باشند؛ مبتنی بر مطالب پیشین مقاله، پیشنهاد می‌شود این آموزش‌ها با محتوای آینده ارائه شوند:

- ترویج مفاهیم مذهبی؛ اشاعه آموزه‌های مذهبی مرتبط با صبر، امید، زندگی آن جهانی و تسلیم در برابر مشیت الهی به زنان کمک می‌کند تا از آموزه‌های دینی برای عبور از چالش‌های زندگی استفاده کنند.
- بازتاب نقش بی بدیل زن در جامعه و خانواده درگیر بحران؛ عدم آشنایی کافی بانوان با جایگاه محوری خود باعث دست کم گرفتن نقش خانوادگی-اجتماعی و در نهایت کوتاهی در یادگیری و به کارگیری مهارت‌های مربوطه خواهد شد. عملاً همه آنچه که در این مقاله پیرامون نقش فردی زن در خانواده و جامعه گفته شد، منوط به آگاهی زنان از اهمیت این نقش و شناخت راهکارهای مربوطه امکان پذیر تلقی می‌شود.

- آموزش مهارت‌های اجتماعی-اقتصادی؛ این آموزش‌ها به زنان کمک می‌کند تا در جامعه مشارکت فعال داشته باشند و برای خود و خانواده درآمد کسب کنند.
- آموزش‌های بهداشت و درمان جسم و روان؛ یادگیری این آموزش‌ها به زنان کمک می‌کند تا با آسیب‌های روانی ناشی از جنگ کنار بیایند و سلامت روان خود را حفظ کنند. سازمان‌ها می‌توانند از طریق تولید و توزیع محتوای آشنا کننده با چالش‌ها، علایم و راهکارهای بهداشتی-درمانی برای مشکلات بدنی و روانی رایج در راستای آموزش بانوان جامعه گام بردارند.
- آموزش نحوه تعامل تحصیلی با کودک منفک شده از نظام تحصیلی؛
- آموزش‌های حقوقی؛ این قبیل آموزش‌ها زنان را از حقوق خود آگاه می‌کند و به آنها کمک می‌کند تا از خود در برابر خشونت و سوءاستفاده محافظت کنند.
- آموزش مهارت‌های صرفه جویی و تبیین مضرات احتکار.

جمع بندی

۱. خانواده و جامعه درگیر با جنگ اغلب با چالش‌هایی از قبیل از هم پاشیدگی خانواده، مشکلات اقتصادی، خشونت خانگی، مشکلات روحی روانی، آوارگی و تضعیف نظام آموزشی و بهداشتی دست و پنجه نرم می‌کنند.
۲. مهمترین راهکارهای فردی که می‌توانند توسط زنان در جهت کاهش این چالش‌ها به کار گرفته شوند عبارتند از سازماندهی اصولی فشارهای روانی خانواده، شکیبایی در برابر آسیب‌ها، تقویت ارتباط اعضای خانواده، تقویت روحیه از خود گذشتگی در خانواده، پرهیز از اسراف و تلاش برای آموزش تحصیلی فرزندان.
۳. مهمترین راهکارهای جمعی سازمان یافته برای مدیریت چالش‌های خانوادگی و اجتماعی جنگ عبارتند مشارکت زنان در اقتصاد و ترویج اقتصاد خانگی، حمایت و آموزش سازمان یافته از زنان.

فهرست منابع

۱. دلبری، سیدعلی، خواجهی مقدم، لعیا، (۱۳۹۳)، عوامل تقویت مدارا در خانواده از دیدگاه آیات و روایات، پژوهش های اجتماعی اسلامی، ۲۰ (۱) (پیاپی ۱۰۰)، ۱۲۳-۱۵۰.
۲. ریسیان، غلامرضا، و حکم آبادی، حجت اله، (۱۳۹۷)، مستندات قرآنی روایات باب «صبر» اصول کافی. آموزه های قرآنی، (۲۷)، ۲۳۷-۲۶۸.
۳. زرقانی، سیده‌ادی، احمدی، ابراهیم، (۱۳۹۷)، تحلیل پیامدهای منطقه ای و جهانی بحران ژئوپلیتیک سوریه (با تأکید بر بحران آوارگان)، جغرافیا، ۱۶ (۵۷)، ۱۱۵-۱۳۱.
۴. زرگران، زهرا و فراتی، مریم (۱۴۰۱)، نقش زنان در حفظ آرامش خانواده در بحران جنگ، همایش ملی جنگ بیولوژیک: ماهیت، ابعاد، پیامدها و راهکارها، دامغان.
۵. تابلی، حمید و عسکری باقرآبادی، محبوبه و نمازیان، رعنا، (۱۴۰۲)، طراحی الگوی کارآفرینی زنان مبتنی بر مشاغل خانگی با استفاده از نظریه داده بنیاد، فصلنامه منابع انسانی تحول آفرین، دوره ۲، شماره ۵، ۱۵-۳۲.
۶. سقایی بی ریا، محمدجوا و کریمی، مصطفی و سقایی بی ریا، محمد ناصر، (۱۴۰۰)، نقش شناخت های برآمده از ایمان به آخرت در تاب آوری و صبر از دیدگاه قرآن، معرفت سال سی ام دی ۱۴۰۰ شماره ۲۸۹، ۲۳-۳۲.
۷. سلطانی رنایی، مهدی، (۱۳۸۳)، راه های مبارزه با فشارهای روانی از منظر قرآن، مشکوه، - (۸۳)، ۶۵-۷۵.
۸. شفیعی، سمیه سادات و موسوی، فاطمه، (۱۴۰۱)، تجربه زیسته زنان در خانواده های آسیب دیده از جنگ؛ تاملی بر ایفای نقش همسری در خانواده فرد جانباز، مطالعات اجتماعی ایران، سال شانزدهم، شماره ۱.
۹. صلاحی، عسگر، (۱۳۹۵)، بررسی نقش زن در حوزه‌ی دفاع مقدس و انعکاس آن در آثار نویسندگان زن (پایان نامه)، انصاری، زهرا انصاری، دانشگاه محقق اردبیلی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی

۱۰. طیموری فرد، سیدعین اله، ضرغام حاجبی، مجید، و منیرپور، نادر، (۱۴۰۱)، اثربخشی برنامه تقویت خانواده بر افزایش سلامت روانی نوجوانان. رفاه اجتماعی، رفاه اجتماعی، ۲۲(۸۴)، ۷۵-۱۱۰.
۱۱. عبدی، حمزه و پسندیده، عباس، (۱۳۹۷)، «بررسی و تحلیل روایات مکارم الاخلاق»، دارالحدیث، قم، چاپ سوم.
۱۲. عبدی، علیرضا، و اکرمیان، فهیمه، (۱۳۸۷)، بررسی عملکرد افراد مبتلا به PTSD ناشی از جنگ در حافظه شرح حال رویدادی. پژوهش در سلامت روانشناختی، ۲(۳)، ۲۵-۳۴.
۱۳. عشقی ملابری، بهروز، (۱۳۸۳)، احیا فرهنگ ایرانی و اسلامی جهت جلوگیری از اسراف و اتلاف منابع، همایش روش های پیشگیری از اتلاف منابع ملی.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب، (ق ۱۴۲۹)، کافی، دار الحدیث، قم، چاپ اول.
۱۵. کاظمی، نصرت، (۱۳۸۳)، زنان، توسعه و آموزش، پیک نور - علوم انسانی، ۲(۲)، ۷۸-۸۳.
۱۶. کولایی، الهه، (۱۳۸۵)، نقش زنان در ترویج فرهنگ صلح در جهان. سیاست، سیاست - مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، - (۷۳)، ۲۳۷-۲۵۶.
۱۷. یکتاپورفرد، اعظم، (۱۴۰۰)، مهارت زنان در مدیریت اقتصاد خانواده، همایش بین المللی حکمرانی اخلاق و معنویت، آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (عج).

چکیده انگلیسی

Military conflicts inflict significant damage on families and societies through the loss of human life, economic destruction, and cultural decline. This article aims to address a previously unexplored topic: providing solutions for empowering women's roles in war-torn families. Written using a descriptive-analytical approach and primarily from a psychological and sociological perspective, the main research question is: How can women's potential be harnessed to overcome the familial and social challenges of war? To this end, the article explores the familial and social challenges of war in two sections and proposes individual and organizational solutions for women to play a more significant role. These solutions include fostering a spirit of self-sacrifice within families, developing patience in the face of hardship, systematically organizing psychological pressures, and promoting a home-based economy. These solutions are particularly effective when supported by social welfare organizations through education and practical organization.